

بلاک که حق تعالی اصحاب فضل را پس گردایش زان خرم چون بر کشت خورده شده لایلاف  
قولش از بهر سزاواری و او را قید ترش که اهل کماثر ایلان فی حله الشیاء  
والصیف از برای علامت کردن و خوی کردن ایشان و در سفر یکی زمستان بزمین  
و دیگری تابستان بشام در هر سال و با سفر کردنی دستدار باشند تا کردند در یکبار  
خوردنی و پوشیدنی با و در دنیای بندگی که کتابت کردی ایشان از حق منت می نهد ایشان را  
دشمن ترا ملاک کرده و بر همان آسانی تا عزت کعبه و عزت شما در هر جا پیدا کرد و در هیچ  
ایشان نکند از کان الا که کذک فلیعبد و ادب هدا الیهیت جو که حق است بر بندگی  
کنید و شیان یعنی اهل کعبه و ندان خانه را اللّٰه اطمعهم من جمع ان هدای  
شما را خوردنی داد از سر کرسکی و آفتاب من خوف و این کرد این شما را از ترس  
سوف تا شما را عزت میدارند خلق شما را ضرری نمی رساند تا شما طعامها و نعمتها بیاورید و بخورید  
و از هیچ کس ترس نباشد شما را نه از عرب و نه از عجم پس می باید که شما کافر نشوید و بندگی حضرت  
حق تعالی بکنید و بت پرستی نکند این همه عزت شما که کعبه بعبودت رسول است صلی الله علیه  
وسلم که در میان شما پیدا شد با علم قدیم آنست که بودیم پیش از پیدا شدن او جای او  
نجا ده استیم از دشمن چون او پیدا شد بطریق اولی از او بی عدالتی و او را کاه داریم  
نصفید و او را غنبت کرده و مستان حق تعالی را خدمت کند تا برکت ایشان در

امان ماند از بلا و شر و این دو دنیا چون دست می گیرد دست دشمن را از بند  
بسیار داند دست خود بی روان او اگر بلا را بگرداند و دنیا و عقبی از کرم و سرور  
نباشد **بیت** سرود کن تو خاک هر کبریا را که بسوزد و هم بسازد و بدع را  
کلی دیده ساز خاک باقی را تا بیندازی سر او باش را که ازین شاکری در انتقار  
سوزنی باشی شوی تو ذوالفقار پس برو خاموش باش از اقیانای ریزش شوی در کن انقیاد  
در نو که بر مستعد و قانت مسخ کردی تو زلاف کاملی هم راستعدا و امانی اگر  
سر کشی از اسناد رازی با خبر مان و مان ترک سدا کن بشمان و روزی ایست شوی اندر جهان  
که اگر زهری خورد بشمده شوی تو اگر شندی خوری زهری شوی که بدی گشت بدی شد کار و  
لطف گشت و نور شد کار و لطف گشت نور شد کار و اللهم ازرقتنا حبک و حب من  
احبک و معنی آن سوره را غیر این نیز گفته اند و الله اعلم بالصواب  
**بسم الله الرحمن الرحیم**  
اولیت الذی یکتیب بالذین اوندیدی ای محمد اکس که دروغ کوی میدارند آمدن  
بیانته و ایمانی نمی آرد بروز قیامت که هر دم زنده می شود ناله از حساب و جزا و آفرین روز قیامت  
در همه عالمی آورده است که نماز سوره در حق او عمل بود عادت آن ملعون آن بود که گفت  
پار شدی بر سر بالین او که شستی و کنی را وصیت کن و چیزی بنی ۵۰ سال عمر با کفری و اگر

تو ام